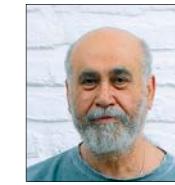


نمایش «مرغ دریابی من» تا زمانی اثر نمایشی کیومرث مرادی قرار است مرداده در تماشاخانه ایرانشهر به صحنه بروید. این خبر راهنمایش کرد و به نقل از امامي اعلام کرد که تامر برای این کتاب پادا داشتی نوشته که با نقاشی شهر خاکستری محسن وزیری مقدم در صفحات ابتدایی این کتاب منتشر خواهد شد.



هنرنمایی امامی، وزیری مقدم و مقالی در یک کتاب

کتاب «بهار خاکستر» نوشتۀ زکریا تامر، نویسنده مشهور جهان عرب به زودی با طرح جلد فرشید مقالی و یکی از نقاشی‌های محسن وزیری مقدم و با ترجمه غلامرضا امامی توسعه انتشارات نگاه روانه بازار کتاب می‌شود.

این خبر راهنمایان منتشر کرد و به نقل از امامي اعلام کرد که تامر برای این کتاب پادا داشتی نوشته که با

آن دیشه‌های او و اکاوی جایگاه انسان در برای تاریخ به زودی پیش فروش بلیت این نمایش آغاز می‌شود.



همکاری رضا بهبودی با فرشته تاریخ

از ابتدای تاسیستان نمایش «فرشته تاریخ» به نویسنده و کارگردان محمد رضایی راد به صحنۀ مردو و قرار است رضا بهبودی در این نمایش بازی داشته باشد. آن طور که مهر خبرداده این نمایش آگرین شب زندگی والتر بنیامین، فیلسوف شناخته شده آلمانی را وابست می‌کند و بروداشت آزادی دارد به سیر زندگی و اندیشه‌های او و اکاوی جایگاه انسان در برای تاریخ به زودی پیش فروش بلیت این نمایش آغاز می‌شود.

روایت اختصاصی جام جم از دیدار عوامل کتاب «دلتنگ نباش!» با رهبر انقلاب؛ کتابی که زندگی شهید مدافع حرم روح... قربانی را روایت کرده و دیروز تقریط رهبر انقلاب درباره آن هم منتشر شد

روحا...، قربانی زینب (س)

دانشجوی انصاری دانشگاه هنر چطور سراز جبهه‌های نبرد بداعش درآورد؟

حال دیگر مستندگاری زندگی و زمانه شهادی مدافعان حرم برای خودش زانی شده است. در حالی که تاریخ زنگاری دفاع مقدس چند سالی بود در روشن و شیوه‌های پرداخت به تکرار و رکود رسیده بود، شهادای مدافعان حرم، به دست دادن روابط‌های غیراستانی از زندگی شهاده را سرو و سامانی بخشیدند. آنها انگار علاوه بر آرمان‌های مقدسی که دنبال می‌کردند، با وجوده در مراتیک غنی کار و پارشان، رونق دوباره به مستندگاری چنگ در ایران بخشیدند. حال دیگر ما با نویسنده‌های مواجه‌ایم که اغلب متولد سال‌های دهه ۷۰ هستند و درباره شهادی حقیق می‌کنند که هم‌سن و سال خودشان هستند و اینها هم جانی تاریخ بخشیده‌اند به این حوزه از مستندگاری، یکی از ناشرانی که توانسته این دست از نویسنده‌های راهنمایی دریار شهاده را مدافعان حرم منتشر کرد، انتشارات روابط فتح است. تاریخ تیرین کتاب از مجموعه «مدافع حرم» این انتشارات، «دلتنگ نباش!» نام دارد؛ روابطی درباره شهید روح... قربانی که سه سال پیش در جبل وقتی که فقط ۲۶ سال داشت اما با همین سن و سال فرمانده تخریب تیپ سید الشهداء بود و شهید شد. روابط زندگی او که بجهه هفت تیر تهران بود نیز مانند دیگر شهادی هم‌زمن در سوریه، پراز راههای در خشان و گاه تکان‌هاینده است. گاهی هر چند با خیر چند ماهمه به این کتاب ادعا خدایم در حالی که مخوستیم با نویسنده‌اش هم‌زمن و ترتیب بدھیم امامی‌رسانند. در واپسین لحظات تئیین این گزارش هم‌زرسید آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب براین کتاب پادا داشت که به تاریخ آمده: «سلام و پژوان خابر شهید عزیز روح... قربانی، از همسر شهید باید تشکر شود به خاطر فرستادن این کتاب از ایشان و خانم مؤلیفی به خاطر تدوین این آذر ۹۸، البته گفت و گویی کوتاهی با زینب فروتن، همسر شهید ترتیب دادیم که اورا وی دقیق روز دیدار رهبر انقلاب را برایمان گفته است.

این طرح را شهید در
دقتر بادا شت پیشتر
دوستاشن به دادگار
گذاشت است

طرح
شهید روح... قربانی

امام هشتم هدیه داد، سیدالشهدا با خود بود

قرنیست به خانه مردی بروم که همه امکانات زندگی از همان اول تأثیر نداشت اما معتقد بودم با هم کار می‌کنیم و زندگی مان را سازم. رفتیم حوالی میدان امام حسین(ع) خانه‌ای ۴۷ متری اجراه کردیم و زندگی مان شروع شد. با این که خانه‌ام کوچک بود ولی برای من حکم کاخی را داشت که من ملکه‌اش بودم. از همان ابتدایی می‌دانستم با چه کسی ازدواج کردام، یعنی می‌دانستم شهادت و دفع از کشور حرف اول روح... است. حرف شهادت در خانه‌مان بود ولی فکری را نمی‌کردم روح... روزی شهید شد.



روایت دیدار

زینب بعد فروتن، همسر شهید قربانی این روزها حال عجیبی دارد؛ چند روزی پیشتر نمی‌گذرد از روزی که او همراه نویسنده کتاب «دلتنگ نباش!» به دیدار رهبر انقلاب شتافتے در حالی که باورش نمی‌شده مقدمات چنین دیداری به سرعت فراهم شود.

او در این باره به جام جم می‌گوید: «بیش از اینها کتاب را برای بیت حضرت آقا فرستاده بودم. راستش را بخواهید امیدوار نبودم به دست شان بررسد و بخواند. چهارشنبه آخر ماه رمضان بود که از دفتر حضرت آقا تماس گرفتند و گفتند حامل پیغام ایشان هستند. گفتند ایشان کتاب را خوانده‌اند و از من نویسنده کتاب تشکر کردند. خیلی خوشحال شدم اما همچنان باور نمی‌شد. خواستم تو ترتیب دیداری را به دهنده. قول ندادند اما گفتند سعی شان را می‌کنند. شنبه ساعت ۹ صبح دوباره شماره شان افتاد روی گوشی ام. دل تو دلم نبود. گفتند بیایند امروز برای نماز پشت سر آقا. گفتم چشم خدمت می‌رسیم اما ما می‌خواهیم ایشان را از زندگی هم بینیم. اینها گفتند نمی‌شود و بعد دوباره گفتند سعی شان را می‌کنند. وقتی آنها هم گفتند نمی‌شود. نماز اول را خواندیم. رکعت آخر نماز دوم را خواندیم به چهارشنبه شصت شهید مسیحی کتاب گفند از این سوی بایدید. صدای نفس‌هایم رامی شمردم. از پیش‌تی خسینیه ایشان سمت ما آمدند. ما را معرفی کردند و گفتند نویسنده کتاب همراه همسر شهید آمدند. ایشان ابتدا زن پرسید شما همسر شهید هستید و سپس از خانم مولاوی پرسیدند شهادت نویسنده کتاب بوده‌اید. هردو در حالی که در شکوی عمیق بودیم گفتیم بله. از من تشکر کردند



کوتاه است. اگر من شهید شدم تو نراحت نباش. من به تو قول می‌دهم آن دنیا همیشه با هم باشیم. یک ساعت و نیم روح... از این حرف می‌زد که آنجا کار خیلی زیاد است و باید ماند و از من می‌خواست بگذارم ماند.



نذر حلقه‌های ازدواج

یکی از روایت‌های جناب کتاب، مربوط به ازدواج...

با زینب است و کار جالبی که در رابطه با حلقه‌های زندگان می‌کنند: «می‌دانستم روحی روح... ازدواج شان می‌شود، اما فکر نمی‌کردم این قدر زو...، ماهیت طور است. امنقل جنین روابط‌هایی به مامی گوید

این شخصیت‌های بزرگ، در شونون جنی-ترزندگی نیز

مردمدار و نوع دوست بوده‌اند و از این رهگذر است

که جانشان را کف دست شان می‌گزند و به جهه‌های

نیز شویم».

نیز مردم روند از زبان همسر شهید روابط مشابه دیگری

بخواهند: دو سال پیش بود که با هم از خیابان انقلاب

رد می‌شدیم، مردی کنار خود رویش ایستاده بود و از

و اپسین تماس

از زبان همسر شهید: يك هفته قبل از شهادت تماس

گرفت، قبلا هر وقت نتماس می‌گرفت، زود قطع می‌شد

اما این باریک ساعت و نیم با من حرف زد اما تلفن

قطع نشد. از روح... نپرسیدم چرا تلفن قطع نمی‌شد.

خودرو دوید و آتش را خاموش کرد. مرد راننده اش

گفت این در حالی است که هیچ‌کس برای رساندن

میریخت و از روح... تشرک می‌کرد. مرد راننده اش

گفت: جوان! اخراج آقای مجتبی تهرانی را روح...

خیلی ها فرستند. حاچ دعا را می‌بنند و تا آمدن اورانس

عقابت به خیرت کند. همین دعا را روح...

خیزند.

ماجرای آتش‌سوزی در ارقلاب

شاید ریگویید این روایت‌ها را...

دست که کسی در خیابان به رای دیگری مشتابید، چیزی ازدواج شان می‌شود. آن روحی روح... ازدواج شان می‌شود، اما فکر نمی‌کردم این قدر زو...، ما

محاجه‌های ازدواج را در اینجا این روح...

همان روز نسخه خطی را دیده است. ازاومی پرسیم

آمدند. ایشان ابتدا زن پرسید شما همسر

شهید هستید و سپس از خانم مولاوی پرسیدند

شهادت نویسنده کتاب بوده‌اید. هردو در حالی که در

شکوی عمیق بودیم گفتیم بله. از من تشکر کردند

چند برش از زندگی و زمانه روح...

دانشگاه یاسوریه؟

روح... رشتۀ متوجه زبان انگلیسی قبول شده بود.

وقتی جواب قبولی اش در دانشگاه آمد سوریه بود. او

پیش از این کتاب

نخواهد شد.

دشمنان

دشمنان